

سلام الافضل



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

عنوان:

بررسی صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر بیگ زاده

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر فلسفی

نگارنده:

بهرام حیدری

شهریور ۱۳۸۵

۱۰۶۴۳۲

کتابخانه تخصصی حقوق
دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۱۵

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۱۵

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که وجودشان

مایه دلگرمی و راهنمایی هایشان

فانوس راهم بوده.

فهرست

صفحه

عنوان

-
- مقدمه..... ۱
- بخش نخست: تبیین اصل صلاحیت تکمیلی**..... ۸
- فصل اول: پیشینه اصل صلاحیت تکمیلی**..... ۱۰
-
- مبحث اول: حاکمیت ملی و پایان دادن به بی کیفری..... ۱۰
- گفتار ۱- نگرانی دولتها از نقض حاکمیت ملی..... ۱۰
- گفتار ۲- نگرانی از عدم اقتدار دیوان بین المللی کیفری..... ۱۴
- گفتار ۳- پاسخ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به نگرانی های موجود..... ۱۷
- الف- اساسنامه دیوان و احصای مهم ترین جرایم بین المللی..... ۱۸
- ب- تکمیل صلاحیت محاکم ملی..... ۲۰
- ۱- مفهوم تکمیلی بودن صلاحیت..... ۲۰
- ۲- وجود قانون داخلی..... ۲۳
- مبحث دوم: مسائل مربوط به قابلیت پذیرش در رویکرد نهادهای بین المللی
- ذیصلاح..... ۲۵
- گفتار ۱- رویکرد کمیسیون حقوق بین الملل..... ۲۷

فهرست

صفحه

عنوان

- گفتار ۲- رویکرد کمیته مقدماتی..... ۲۹
- الف- مسئله صلاحیت..... ۳۲
- ب- مسئله عدم توانایی و عدم تمایل..... ۳۲
- ج- تعریف عدم توانایی و عدم تمایل..... ۳۳
- گفتار ۳- اجلاس رم و مذاکرات مربوط به قابلیت پذیرش..... ۳۹
- فصل دوم: آئین اعمال صلاحیت تکمیلی..... ۴۷**
- مبحث اول: صلاحیت تکمیلی و قاعده عدم جواز محاکمه مجدد..... ۴۷**
- گفتار ۱- اصل عدم جواز محاکمه مجدد در رویکرد نهادهای بین المللی ذیربط..... ۴۸
- الف - رویکرد کمیسیون حقوق بین الملل..... ۴۸
- ب- رویکرد کمیته مقدماتی..... ۵۰
- ج- عدم جواز محاکمه مجدد در کنفرانس دیپلماتیک رم..... ۵۳
- گفتار ۲- اصل عدم مجوز محاکمه مجدد در اساسنامه رم..... ۵۶
- الف- اصل عدم جواز محاکمه مجدد و تصمیمات دیوان بین المللی کیفری..... ۵۷
- ب- دیوان بین المللی کیفری و احکام صادره از محاکم ملی..... ۵۸

فهرست

صفحه

عنوان

- ۱- عدم جواز محاکمه مجدد نزولی: رابطه بین تصمیمات دیوان بین المللی کیفری و تصمیمات دادگاه های داخلی..... ۵۹
- ۲- عدم محاکمه مجدد صعودی: تصمیمات دادگاه های ملی و دیوان بین المللی کیفری..... ۶۱
- مبحث دوم: اعتراض نسبت به قابلیت پذیرش و صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری..... ۶۳
- گفتار ۱- بررسی موضوع در کمیته مقدماتی ۶۴
- الف- مراجع دارای حق اعتراض..... ۶۶
- ب- زمان ایراد اعتراض..... ۶۸
- ج- حق اظهار نظر در مورد اعتراض..... ۶۹
- د- مرجع تصمیم گیری در مورد اعتراضات..... ۷۰
- ه - استیناف و تجدید نظر..... ۷۱
- گفتار ۲- بررسی موضوع در کنفرانس رم..... ۷۳
- الف- بررسی دیدگاههای متفاوت پیرامون موضوع..... ۷۴

فهرست

صفحه

عنوان

-
- ب- بررسی ماده ۱۹ اساسنامه رم ۷۸
- ۱- مرجع رسیدگی کننده به اعتراض ۷۸
- ۲- مراجع دارای حق اعتراض ۷۹
- ۳- مهلت اعتراض ۸۰
- ۴- آثار اعتراض ۸۰
- ۵- وظایف و اختیارات دادستان تا زمان تصمیم در مورد موضوع ۸۱
- ۶- بازنگری در غیر قابل پذیرش بودن موضوع ۸۲
- مبحث سوم: تصمیم مقدماتی درباره قابلیت پذیرش ۸۲
- گفتار ۱- کمیته مقدماتی و تصمیم مقدماتی درباره قابلیت پذیرش ۸۴
- گفتار ۲- مذاکرات کنفرانس رم درباره تصمیم مقدماتی ۸۵
- بخش دوم: صلاحیت تکمیلی در عمل** ۹۳
- فصل اول: صلاحیت تکمیلی و شورای امنیت ۹۵
- مبحث اول: ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت ۹۹
- گفتار ۱- شرایط ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت ۱۰۰

فهرست

صفحه

عنوان

گفتار ۲- ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت و تعهد دولتهای عضو ملل متحد.....	۱۰۳
گفتار ۳- امتیاز ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت به دیوان.....	۱۰۴
گفتار ۴- اختیارات اعضای دائمی شورای امنیت در زمینه ارجاع وضعیت.....	۱۰۵
مبحث دوم: اعمال اصل صلاحیت تکمیلی نسبت به ارجاعات شورای امنیت.....	۱۰۷
گفتار ۱- اصل صلاحیت تکمیلی.....	۱۰۷
الف- قابلیت اعمال مستقیم اصل صلاحیت تکمیلی.....	۱۰۸
ب- طرق دیگر اعمال صلاحیت تکمیلی.....	۱۱۲
گفتار ۲- نتایج قابلیت اعمال صلاحیت تکمیلی.....	۱۱۴
گفتار ۳- شورای امنیت و حاکمیت دولتها.....	۱۱۶
فصل دوم: صلاحیت تکمیلی و بی کیفری	۱۱۹
مبحث اول: صلاحیت تکمیلی و عفو.....	۱۱۹

فهرست

صفحه

عنوان

-
- گفتار ۱- حقوق بین الملل و الزام دولتها به پیگرد جنایات مندرج در
اساسنامه..... ۱۲۱
- الف- حقوق معاهداتی..... ۱۲۲
- ب- حقوق عرفی..... ۱۲۴
- مبحث دوم: عفو در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و در قالب کمیسیون
های سازش و حقیقت یاب..... ۱۳۰
- گفتار ۱- عفو در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری..... ۱۳۲
- الف- مقدمه و ماده ۱ اساسنامه..... ۱۳۲
- ب- ماده ۱۷ اساسنامه: مسائل مربوط به قابلیت پذیرش..... ۱۳۴
- ج- ماده ۲۰ در مورد عدم جواز محاکمه مجدد و موضوع عفو..... ۱۳۵
- د- ماده ۱۶ اساسنامه: اختیارات شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور ملل متحد
..... ۱۳۸
- ه- ماده ۵۳ اساسنامه: شروع انجام تحقیقات..... ۱۳۹
- گفتار ۲- کمیسیون های سازش و حقیقت یاب و صلاحیت تکمیلی..... ۱۴۱

فهرست

صفحه

عنوان

-
- الف- دلایل توجیهی تاسیس کمیسیون های سازش..... ۱۴۲
- ب- کمیسیون های سازش و حداقل استانداردهای عدالت..... ۱۴۵
- ج- دیوان بین المللی کیفری و کمیسیون های حقیقت یاب..... ۱۴۹
-
- مبحث سوم: صلاحیت تکمیلی و مرور زمان..... ۱۵۴
- مبحث چهارم: صلاحیت تکمیلی و مصونیت..... ۱۶۱
- نتیجه گیری:..... ۱۷۲
- منابع:..... ۱۸۵

تدوین رساله حاضر بدون کمک و راهنمایی اساتید بزرگواری و دوستان عزیزم مقدور نبود. از جناب آقای دکتر ابراهیم بیگ زاده، استاد محترم راهنما، که همواره با رویی گشاده و حوصله مثال زدنی، سوالات و اشکالات اینجانب را پاسخ گفته و از هیچ کمکی برای تکمیل رساله دریغ نکردند، صمیمانه قدردانی می نمایم. بی اندازه به جناب آقای دکتر هدایت ا. فلسفی، استاد محترم مشاور، مدیونم. ایشان با دقت و وسواس خاص خود و در کمترین فرصت زمانی ممکن، رساله را مطالعه و نکته ها و پیشنهادهای ارزنده ای ارائه فرمودند که در تکمیل رساله بسیار مفید واقع شد. از صمیم قلب از جناب آقای محمد جعفر قنبری، استاد که علیرغم مشغله کاری فراوان، قبول زحمت فرموده و داوری رساله را پذیرفتند، تشکر می کنم.

بر خود فرض می دانم از کلیه اساتید محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به ویژه جناب آقایان دکتر جمال سیفی، دکتر بهمنی و دکتر هنجنی تشکر و قدردانی نمایم. از این فرصت استفاده کرده و از جناب آقای دکتر ممتاز، استاد برجسته حقوق بین الملل دانشگاه تهران، به خاطر راهنمایی های راهگشا و سودمند در طول نگارش این رساله قدردانی و تشکر می نمایم.

از دوستانم آقایان اسماعیل بقایی هامانه، محسن شریفی، مهدلو، که به نحوی از انحاء در تکمیل رساله حاضر مرا کمک کردند، قدردانی می کنم.

از کارکنان محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به ویژه سرکار خانم بوستانکار و حمیدی منش به خاطر تلاش های صادقانه و مجددانه شان در پیگیری امور تشکر می نمایم. در پایان تشکر ویژه خود را تقدیم خانواده ام می نمایم که در تمامی مراحل تدوین این رساله با بزرگواری و سعه صدر مرا یاری و همراهی نموده، می نمایم.

امید است تدوین این رساله نقشی، ولو اندک در شناخت اصل صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری داشته باشد.

بهرام حیدری

شهریور ماه ۱۳۸۵

مقدمه:

نگاهی به تاریخ بشریت گویای این نکته است که جنگ و خونریزی همواره قرین و همزاد بشر بوده است. شاخصه بارز تاریخ بشریت جنگ، تجاوز، جنایت و نسل کشی است. از این رهگذر عده ای همواره منادی و خواهان صلح، امنیت و عدالت بوده، در این مسیر گام برداشته اند. سده بیستم که به تازگی آن را پشت سر گذاشتیم شاهد ظهور دو جنگ بین المللی در نیمه اول خود بود. با وجود تمام تلاشهایی که پس از آن برای پیشگیری از وقوع جنایات بین المللی صورت گرفت در دهه آخر این قرن شاهد وقوع جنایات بین المللی در رواندا و یوگسلاوی سابق بودیم. از زمان محاکمات نورنبرگ و توکیو جامعه بین المللی در تلاش برای تعیین حدود میان آنچه در جنگ پذیرفتنی است و آنچه غیر قابل پذیرش است، بوده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه شماره ۲۶۰ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ به کمیسیون حقوق بین الملل ماموریت داد بررسی کند که آیا ایجاد یک رکن قضایی بین المللی برای محاکمه اشخاص متهم به جنایت نسل کشی امری مناسب و ممکن است یا نه؟ پایان جنگ سرد و تنفر و انزجار ناشی از جنایات ارتكابی در کامبوج و سپس در یوگسلاوی و رواندا سبب شد تا فرایند تشکیل یک محکمه کیفری بین المللی مجدداً آغاز شود. ایجاد محاکم بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا به ترتیب در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد علیرغم صلاحیت محدودشان نشان از پیشرفتی قطعی در این زمینه بود.

اما جامعه بین المللی پنجاه سال پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر و پنجاه سال پس از امضای کنوانسیون بین المللی منع نسل کشی، سرانجام نهادی دائمی برای خود ایجاد کرد که

نه فقط می تواند جنایات خطیری را که وجدان جهانی خدشه دار می کند، مجازات نماید، بلکه مانع ارتکاب آنها نیز شود.

اساسنامه دیوان بین المللی کیفری برای تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین المللی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در کنفرانس دیپلماتیک رم به تصویب رسید. این اساسنامه به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت کننده در کنفرانس نمایندگان تام الاختیار ملل متحد رسید. مانع اصلی تأسیس یک مرجع کیفری بین المللی که صلاحیت رسیدگی به جرایم بین المللی را داشته باشد، صرفنظر از شرایط سیاسی مربوط به دوران جنگ سرد، نگرانی دولتها از نقض حاکمیت ملی و بطور مشخص جایگزین شدن دیوان بجای محاکم ملی صلاحیتدار بوده است. یکی از مسائل مهم برای تنظیم کنندگان اساسنامه دیوان پر کردن خلا ناشی از چالش بین حاکمیت ملی و کارکرد دیوان بین المللی بود..

در طی مذاکرات مربوط به تنظیم اساسنامه دیوان نیز ناخشنودی و نگرانی بسیاری کشورها از ایجاد نهادی تأثیر گذار بر حاکمیت ملی کاملاً مشهود بود. از دیدگاه آنها، دیوان نبایستی با عملکردش به عنوان یک دادگاه بین المللی جایگزین یا جانشین محاکم ملی شده و یا آنها را به چالش فراخواند، چرا که این مسئله با اصل استقلال حاکمیت و عدم جواز مداخله در نظام حقوقی دولتها منافات خواهد داشت.^۱

در مقابل دیدگاه مذکور که ناظر بر نگرانی دولتها از نقض حاکمیت ملی بود، دیدگاه متفاوت دیگری وجود داشت. برخی کشورها و بسیاری از سازمانهای غیر دولتی معتقد بودند که دیوان بایستی قدرت ایفای نقش مهمتری را داشته باشد. نگرانی نسبت به انجام پاره ای تحقیقات یا محاکمات صوری با هدف حمایت از مجرمان و مصون نگاه داشتن آنها از مسئولیت

^۱ . Report of the Ad Hoc Committee on the Establishment of an International Criminal Court, United Nations General Assembly Official Records, Fiftieth Session, Supplement No.22, A/50/22(1995) paragraphs 29-51.

کیفری، کشورها و سازمانهای فوق را متقاعد ساخت که دیوان بایستی در جایی که رسیدگی های دادگاههای داخلی کشورها غیر مؤثر است یا سیستم قضائی ملی ناتوان است، مداخله نماید. طبق این دیدگاه، توجه عمده دیدگاه نخست بر حاکمیت ملی، عملاً دیوان بین المللی کیفری را به نهادی بی فایده و بی تأثیر تبدیل خواهد کرد که قادر به رسیدگی به جنایات نخواهد بود.^۱

تقابل نظرات دولتهایی که بر حاکمیت دولت و خدشه دار نشدن تأکید داشتند و دولتهای دیگری که بر نقش و کارکرد یک دیوان کیفری بین المللی کار آمد پافشاری می کردند، سرنوشت بحثهای مربوط به اصل صلاحیت تکمیلی را مشخص نمود. به عبارتی دیگر با توجه به دو دیدگاه مذکور، پاسخ اساسنامه به نگرانیهای موجود در مورد نقض حاکمیت ملی و عدم اقتدار دیوان بین المللی کیفری، این بود که دیوان فقط نسبت به مهمترین جرایم بین المللی مورد اهتمام جامعه بین المللی که در اساسنامه احصاء شده، صلاحیت رسیدگی دارد. همچنین طبق اصل صلاحیت تکمیلی، دیوان بین المللی کیفری مکمل دادگاه های ملی است و نه جانشین یا جایگزین آنها؛ و نیز دیوان در صورتی به اعمال صلاحیت در خصوص جنایات مندرج در ماده ۵ اساسنامه دیوان خواهد پرداخت که محاکم ملی صلاحیتدار حقیقتاً قادر یا مایل به رسیدگی به جنایات مذکور نباشند. مسئولیت تحقیق و تعقیب جنایاتی که در صلاحیت دیوان پیش بینی شده در وهله نخست متوجه دولتها است و دیوان در صورتی موضوعی را قابل پذیرش اعلام می کند که یک دولت حقیقتاً قادر یا مایل به رسیدگی نباشد یا اینکه یک

^۱ - در این زمینه به اسناد ذیل مراجعه شود:

Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, Volume I (Proceedings of the Preparatory Committee during March-April and August 1996), United Nations General Assembly Official Records, Fifty-first Session, Supplement No. 22, A/51/22(1996), paras. 153-178.

دولت خود از دیوان بخواهد که دیوان صلاحیت اصلی داشته باشد مانند دولت ساحل عاج که از دیوان درخواست نمود که صلاحیت اصلی را اعمال نماید.¹

اساسنامه شرایطی را که یک قضیه قابل پذیرش (استماع) نیست تعیین کرده و آئینی را که به موجب آن دیوان درباره قابلیت پذیرش بودن و صلاحیت خود تصمیم می گیرد، تشریح نموده است. دیوان مرجع تشخیص صلاحیت خود و قابل پذیرش بودن موضوع است. این صلاحیت ممکن است مورد اعتراض متهم یا شخصی که حکم جلب علیه او صادر شده یا به دیوان احضار شده یا دولت صالح که موضوع را در دست تحقیق دارد یا دولتی که در قلمرو او جنایت ارتکاب یافته یا دولت متبوع متهم قرار گیرد.

شایان ذکر است که اعمال صلاحیت اصلی در اجرای اصل صلاحیت تکمیلی محدود به دولتهای عضو اساسنامه دیوان نمی شود و دولتهای غیر عضو نیز می توانند نسبت به جنایات اتباع خود یا جنایاتی که در قلمرو آنها ارتکاب یافته است اعمال صلاحیت نمایند. البته این امر نیز منوط به تصویب قوانین داخلی جهت جرم انگاری جنایات مندرج در اساسنامه است. لازم به ذکر است که کشورهای عضو نیز برای پیوستن به اساسنامه قوانینی را تصویب و بعضی کشورها نیز علاوه بر آن، برخی از قوانین داخلی خود را اصلاح نموده اند.

فرض نگارنده این است که اصل صلاحیت تکمیلی نگرانی دولتها را در مورد نقض حاکمیت ملی آنها رفع می نماید. اصل صلاحیت تکمیلی رویکرد متعادلی است که به دولتها امکان می دهد به تعهداتشان بر اساس حقوق بین الملل جامه عمل بپوشند و دیوان نیز به عنوان مکمل ارزشمندی برای نظام قضایی ملی عمل نماید. این رساله جهت تحلیل موضوع در بخش نخست به تبیین اصل صلاحیت تکمیلی پرداخته و نقاط ضعف و قوت آن را در نتیجه

¹ Lee, R.S. (Ed), *The International Criminal Court: The Making of The Rome Statute_Issues_Negotiations_Results* (Kluwer, 1999), p.41.

گیری ذکر می نماید و در بخش دوم موضوع سازش بین مفهوم صلاحیت تکمیلی با اصل حاکمیت ملی مورد بررسی قرار می گیرد. در این زمینه برخی از دولتها از این امر نگران بودند که اصل صلاحیت تکمیلی مندرج در اساسنامه نسبت به وضعیتهایی که از سوی شورای امنیت ارجاع می شود، قابل اعمال نباشد و بدین ترتیب بر حاکمیت آنها خدشه وارد شود. در این رساله این موضوع مورد بررسی و مذاقه قرار می گیرد. موضوع دیگری که مورد نگرانی دولتها بود، دخالت دیوان در روند تصمیم گیری سیاسی (اعطای عفو و عفو عمومی)، عدم شناسایی نظر کمیسیون های حقیقت یاب و نیز عدم شناسایی مصونیت اعطاء شده به مقامات دولتی و مرور زمان توسط دیوان بود. در این خصوص دو نکته را بایستی مورد توجه قرار داد. نخست آنکه جرایم تحت صلاحیت دیوان مهمترین جرایم بین المللی مورد نگرانی جامعه بین المللی است که عبارتند از نسل کشی (کشتار جمعی)، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز. همچنین صلاحیت رسیدگی به جرایم عادی و حتی جرایمی که به موجب قوانین داخلی وصف بین المللی دارند کماکان به عهده دادگاههای داخلی است. لذا بنا نیست که دیوان به کلیه جرایمی که به موجب معاهدات بین المللی و یا به موجب قوانین ملی وصف بین المللی دارند، رسیدگی نماید.

دوم آنکه قرار است دیوان به عنوان مکمل محاکم ملی عمل نماید و جایگزین آنها نشود. بعبارت دیگر صلاحیت رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت دیوان در درجه اول با محاکم ملی است و تنها در صورتیکه محاکم داخلی بنا به دلایلی که در این پایان نامه مورد بحث قرار می گیرند، نخواهند یا نتوانند به جرایم مهم بین المللی رسیدگی نمایند، وارد عمل خواهد شد. در واقع رابطه بین دیوان بین المللی کیفری و محاکم ملی براساس صلاحیت تکمیلی تنظیم شده است.

مطالعه موضوع مورد پژوهش دارای فوایدی در سطوح علمی و عملی است. در سطح علمی، نظر به اینکه در زبان فارسی منابع کافی در خصوص اصل صلاحیت تکمیلی وجود ندارد، لذا این پژوهش می تواند منبع مفید از لحاظ عملی نیز با توجه به بررسی امکان تصویب اساسنامه دیوان در کشورمان، توصیف و تحلیل جنبه های مختلف موضوع در این رساله می تواند مورد استفاده نهادها یا مراجع ذیربط قرار گیرد. البته با عنایت به اینکه دولتهای غیر عضو اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیز می توانند طبق اصل صلاحیت تکمیلی، صلاحیت اصلی خود را اعمال نمایند. بنابراین در صورت عدم عضویت نیز می تواند مفید فایده واقع شود.

در این رساله اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه ای و با بهره گیری از مطالب ارائه شده در برخی دوره های آموزشی مربوط به دیوان بین المللی کیفری در داخل و خارج از کشور جمع آوری شده اند و به صورت تلفیقی از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته شده است.

این رساله در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول تحت عنوان تبیین اصل صلاحیت تکمیلی به دو فصل تقسیم می شود: در فصل نخست، اصل حاکمیت ملی و پایان دادن به بی کیفری، مسائل مربوط به قابلیت پذیرش در رویکرد نهادهای بین المللی ذیربط مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در فصل دوم تحت عنوان آئین اعمال صلاحیت تکمیلی، به بررسی قاعده عدم جواز محاکمه مجدد برای یک جرم، مندرج در ماده ۲۰ اساسنامه که جنبه خاصی از صلاحیت تکمیلی به شمار می رود، اعتراضات شکلی ناظر بر صلاحیت دیوان یا به عبارتی قابلیت پذیرش یک قضیه مندرج در ماده ۱۹ اساسنامه رم که به اصل تکمیلی اثر عملی می بخشد و نهایتاً مسئله تصمیم مقدماتی درباره قابلیت پذیرش مندرج در ماده ۱۸ اساسنامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در واقع در این بخش علاوه بر بررسی مراحل مختلف تدوین مواد

اساسنامه در خصوص اصل صلاحیت تکمیلی در صدد هستیم نقاط قوت و ضعف مواد مذکور مورد توجه قرار گیرد.

بخش دوم تحت عنوان صلاحیت تکمیلی در عمل دارای دو فصل می باشد. در فصل اول این بخش تحت عنوان اصل صلاحیت تکمیلی و ارجاعات شورای امنیت به یکی از موضوعات مهم در رابطه با ارتباط دیوان بین المللی کیفری و شورای امنیت پرداخته می شود. در فصل دوم تحت عنوان صلاحیت تکمیلی و بی کیفری به مواردی که موجب بی کیفری می شوند یعنی اعطای عفو طبق قوانین داخلی یا توسط مقامات دولتی، اعطای عفو در قالب کمیسیون سازش و حقیقت یاب، مرور زمان و مصونیت و اثر آنها بر صلاحیت تکمیلی پرداخته می شود.

بخش نخست

تبیین اصل صلاحیت تکمیلی

این بخش شامل دو فصل است. فصل اول تحت عنوان پیشینه اصل صلاحیت تکمیلی، به موضوع حاکمیت ملی و پایان دادن به بی کیفی، تاریخچه تدوین پیش نویس مواد اساسنامه رم راجع به قابلیت پذیرش در طی مذاکرات انجام شده در مراجع بین المللی ذیربط یعنی کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، کمیته مقدماتی و کنفرانس دیپلماتیک رم پرداخته خواهد شد.

در فصل دوم، آئین اعمال صلاحیت تکمیلی مورد مذاقه قرار می گیرد. در این فصل به قابلیت پذیرش قضایا در دیوان، قاعده عدم جواز محاکمه مجدد برای یک جرم که جنبه خاصی از صلاحیت تکمیلی به شمار می رود، اعتراض های شکلی نسبت به صلاحیت دیوان یا به عبارتی قابلیت پذیرش یک موضوع که به اصل صلاحیت تکمیلی اثر عملی می بخشد و نهایتاً تصمیم مقدماتی درباره قابلیت پذیرش یک موضوع پرداخته خواهد شد.

در واقع این بخش علاوه بر بررسی مراحل مختلف تدوین مواد اساسنامه در خصوص

اصل صلاحیت تکمیلی، در صدد است نقاط قوت و ضعف مواد مذکور را مورد توجه قرار دهد.